

## Dictation Exercises 21a

- (1) آن مرد با مهربانی به من دو کیلو گوشت داد.
- (2) دیروز آنقدر مرغ ارزان بود که من ده کیلو خریدم.
- (3) عزیزم چه ساعتی از اداره برمیگردی؟
- (4) شیرین جان ببخشید که من ماهی دوبار تلفن نکردم.
- (5) دختری که دیروز دیدیم پنج کیلومتر راه رفته بود.
- (6) ماشینی که شیشه اش را هفته پیش شکستم مال پسر عموم بود.
- (7) هفته ای یکبار شبنم با دوستان ترکش به قهوه خانه میروند و با هم چهار فنجان قهوه میخورند.

1. That man kindly gave me two kilos of meat.
2. Yesterday the chicken was so cheap that I bought 10 kilos.
3. Sweetie, at what hour (or “when”) are you returning from the office?
4. Dear Shirin, I’m sorry I did not call twice a month.
5. The girl I saw yesterday had walked for 5 kilometers.
6. The car window that I broke last week was my cousin’s (paternal).

7. Once a week, Shabnam goes to a coffee house with her Turkish friends and together, they drink one liter of coffee.